

**جهانی شدن اقتصاد و اثرات آن بر
بخش کشاورزی ایران
(مطالعه موردی برنج و خرما)**

کیومرث نوری - سعید یزدانی

به ترتیب عضو هیأت علمی سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی -
عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران

چکیده :

اقتصاد جهان دستخوش تحولات بسیار عظیمی است. روند فرآیند جهانی شدن اقتصاد با شتاب زیادی در حال انجام است و تقریباً تمامی امور مربوط به زندگی بشر را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. دیگر بدون توجه به این روند و بدون در نظر گرفتن جهانی شدن اقتصاد نمی توان تصمیم گیری صحیحی در مورد رشد و توسعه انجام داد، چون مولفه های جهانی شدن اقتصاد همچون گسترش تجارت کالا و خدمات، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، شرکت های چند ملیتی، صنعت توریسم، انقلاب ارتباطات و اطلاعات و... تاثیر معنی داری بر اقتصاد های ملی اعمال می نمایند. تحقیق حاضر به لحاظ آنکه از دیدگاه کمی و الگوی اقتصادسنجی به بررسی و ارزیابی روند جهانی شدن می پردازد، اولین مورد از چنین مطالعه ای در ایران است. از سوی دیگر مطالعه حاضر روند جهانی شدن اقتصاد را به روش کمی در بخش کشاورزی مورد بررسی قرار داده که در نوع خود مطالعه ای بدیع به شمار می رود.

نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که بخش کشاورزی در کل حرکت قابل توجهی در مسیر جهانی شدن نداشته است. دو محصول برنج و خرما در این مطالعه مد نظر قرار گرفت و توابع عرضه داخلی، تقاضا، واردات و یا صادرات در مورد آنها برآورد گردید. نتایج حاصل نشان می دهد که روند جهانی شدن بر عرضه داخلی محصولات منتخب اثر مثبت دارد و بیان می کند که حرکت در مسیر جهانی شدن اقتصاد بر تولید داخلی این محصولات خواهد افزود. تابع تقاضای محصولات نشان می دهد که شاخص جهانی شدن بر تقاضای برنج و خرما اثر منفی دارد، بدین معنی که با حرکت در مسیر جهانی شدن مصرف این محصولات در کشور کاهش می یابد. شاخص جهانی شدن اقتصاد در تابع واردات برنج دارای علامت منفی است که به مفهوم آن است که در جهت همگرایی با اقتصاد جهانی واردات این محصول کاهش خواهد یافت. نتیجه حاصل از تابع صادرات خرما بیان می دارد که ضریب شاخص جهانی شدن در این تابع مثبت است و حکایت از آن دارد که در روند جهانی شدن اقتصاد صادرات این محصول افزایش می یابد که کاملاً با ظرفیت تولید این محصول در داخل مطابق است.

جهانی شدن فرآیند رو به گسترشی است که همه عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را درنور دیده و تمامی کشورهای جهان با آن به نحوی درگیر هستند. معتقدان به جهانی شدن به دهکده جهانی ایده آلی می اندیشند که در آن تنها وظیفه مرزها تعیین قلمرو کشورهاست و همه چیز در بین جوامع در حال انتقال است. در سالهای اخیر یکی از رایج ترین مباحث، بحث "جهانی شدن"^۱ بوده که در میان مکاتب فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مختلف نیز بحث های فراوانی را پدید آورده است. به هر حال اقتصاد جهانی دستخوش تحول عظیمی است که یک فرآیند جهانی شدن مستمر و واقعاً شتابانی در آن به وضوح ملاحظه می گردد.

برخی جهانی شدن را عمومی شدن خوشبختی معنا می کنند و متفکران دیگر درست در نقطه مقابل این نظریه، جهانی شدن را فراگیر شدن بدبختی و فقر می دانند. بنابراین ضرورت دارد قبل از پرداختن به موضوع تعریفی از جهانی شدن ارائه گردد.

در سمپوزیومی که تحت عنوان "جهانی شدن و تجارت" برگزار گردید در تعریف جهانی شدن اقتصاد بیان شد که "جهانی شدن مفهومی پیچیده است که تجلی کننده منحصربفرد، کاربرد یا نتیجه ساده ندارد، بنابراین هر تعریفی از آن باید چند بعدی باشد. بیشتر شرکت کنندگان در سمپوزیوم، جهانی شدن اقتصاد را رشد تجارت، رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)^۲ و افزایش شرکت های چند ملیتی^۳ در بازرگانی بین المللی تعریف نمودند" [۱]. نوازش علی^۴ در تعریف جهانی شدن اقتصاد بیان می دارد که "جهانی شدن اقتصاد اشاره به رشد وابستگی اقتصادی بین کشورها در سطح جهان و افزایش حجم و نوع مبادلات مرزی کالا و خدمات و افزایش جریان سرمایه بین المللی و همچنین تسریع انتقال تکنولوژی دارد" [۲].

-
- 1- Globalization
 - 2- Foreign Direct Investment
 - 3- Multinational Corporation
 - 4- Nawazish Ali

لوید^۱ در مقاله ای در باره جهانی شدن چنین اظهار می دارد ، جهانی شدن اقتصاد از دیدگاه کلی ادغام بیشتر اقتصاد ملی در اقتصاد جهانی است . ادغام بیشتر اثرات فراوانی بر ساختار تولید اقتصاد ملی ، نقش شرکت های چند ملیتی ، سرمایه گذاری مستقیم خارجی ، انتخاب مصرف کننده و سایر جنبه های تولید و مصرف کشورهای شرکت کننده در تجارت دارد . یک اثر ویژه جهانی شدن اقتصاد ، تغییر ژرف در طبیعت رقابت در بازارهای کالا و خدمات می باشد [۳] . در گزارش تجارت و توسعه سال ۱۹۹۷ مفهوم جهانی شدن اقتصاد بر افزایش جریان کالا و خدمات و منابع بین مرزهای ملی و ظهور ساختارهای سازمانی مکمل برای بسط شبکه فعالیت های اقتصادی و مبادلات بین مرزی دلالت دارد. بنابراین در یک اقتصاد جهانی بنگاهها و موسسات فراتر از مرزهای ملی عمل می نمایند [۴].

از تعاریف فوق الذکر و همچنین مباحث موجود در این زمینه ملاحظه می گردد که برای جهانی شدن اقتصاد "تعریف کاملاً مشخص و دقیقی نمی توان ارائه داد که تمام جنبه های آن را پوشش دهد. اما در یک تعریف جامع تر می توان گفت که "جهانی شدن اقتصاد" عبارت است از فرآیندی که در آن همگرایی و ادغام اقتصادی کشورهای مختلف جهان افزایش یافته و همسانی در این اقتصادها بالا می رود.

با دقت در تعاریف جهانی شدن ملاحظه می گردد که این فرآیند امروزه در تمام نقاط دنیا به نحوی جریان دارد و بر اقتصاد کشورهای مختلف تاثیر می گذارد . عقاید مختلفی در باره منافع و زیانهای حاصل از جهانی شدن مطرح است . مجادله اولیه یونیدو^۲ آن است که پروسه جهانی شدن یک بازی مجموع صفر نیست^۳ ، بلکه از پتانسیلی برخوردار است که پروسه صنعتی شدن را در کشورهای در حال توسعه و در حال انتقال تسریع نماید و به همین نحو سود قابل توجهی را برای کشورها بوجود آورد. اما به واقعیت رساندن این پتانسیل نیازمند مدیریتی کارا هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی است تا هزینه اجتماعی سیاست ها را به حداقل برساند.

-
- 1- Lloyd
 - 2- UNIDO
 - 3- Zero Sum Game

حال سؤال اصلی باقی است که در چنین وضعیتی چه کشورهایی قادرند از روند جهانی شدن اقتصاد بهره مند گردند. جهت پاسخ به این سؤال باید اشاره داشت که موفق بودن کشورها در گرو ساختار اقتصادی، قوانین و مقررات حاکم بر اوضاع کشور و توانایی کشور در عرضه به بازارهای بین المللی است.

از آنجا که ایران کشوری پهناور و با آب و هوایی متنوع می باشد و بخش کشاورزی از گستردگی فراوانی برخوردار است، این اعتقاد وجود دارد که بخش کشاورزی از توانایی بالفعل و بالقوه فراوانی برخوردار بوده و این استعداد در آن نهفته است که در صورت فراهم آمدن شرایط مناسب، توانایی قابل توجهی در عرضه به بازارهای جهانی داشته باشد. با چنین اندیشه ای تلاش شده که اثر جهانی شدن اقتصاد بر کشاورزی ایران مورد بررسی قرارگیرد.

در ادامه مقاله ابتدا به بررسی روش اندازه گیری و شاخص های مطرح در جهانی شدن پرداخته می شود و سپس بعضی از شاخص ها در کشاورزی ایران محاسبه و روند جهانی شدن کشاورزی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. برای آنکه اثرات جهانی شدن اقتصاد بطور شفاف تر بررسی گردد دو محصول مهم بخش کشاورزی، برنج بعنوان یکی از مهمترین محصولات وارداتی و خرما بعنوان یکی از قدیمیترین و مهمترین محصولات صادراتی، انتخاب شده و اثرات شاخص جهانی شدن بر تولید، تقاضا، واردات یا صادرات این محصولات به روش الگوی اقتصادسنجی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- روش اندازه گیری جهانی شدن اقتصاد

ابتدا باید متذکر گردید که تقریباً تمامی مطالعات انجام شده در باره " جهانی شدن اقتصاد " تاکید دارند که اندازه گیری جهانی شدن اقتصاد هنوز در مراحل مقدماتی است. از این رو نقطه نظرات متفاوتی در باره اندازه گیری جهانی شدن وجود دارد و متغیرهای متفاوتی بعنوان شاخص مطرح گردیده است. از سوی دیگر تقریباً تمامی مطالعات در دسترس نشان می دهد که اندازه گیری جهانی شدن به علت ماهیت خاص بخش صنعت بیشتر در این بخش انجام شده است.

قابل توجه است که بخش صنعت و بخش کشاورزی از دیدگاه جهان شدن دارای تفاوت های معنی داری هستند. در صنعت بعضی از فشارها (مزیت نسبی، هزینه ها، کمبود و مازاد عوامل تولید، هزینه حمل و نقل و...) باعث شده که بنگاههای ارزش افزای یک صنعت در کشورهای مختلف ایجاد گردد و تولید اجزاء و قطعات کالایی در کشورهای مختلف صورت گیرد که معمولاً به آن ادغام جهانی^۱ گویند.

ماهیت تولیدات بخش کشاورزی با بخش صنعت بسیار متفاوت است. اکثر محصولات کشاورزی بطور مستقیم مورد مصرف نهایی واقع شده و یا نیازمند پروسه ای خاص جهت مصرف نهایی می باشد. از این رو در کشاورزی جهانی شدن عمدتاً مربوط به تجارت و عدم اعمال موانع جهت روان تر شدن تجارت محصولات می شود. البته باید متذکر شد که صنعتی شدن کشاورزی اندکی از خصوصیات صنعت را به کشاورزی سرایت داده است، اما ماهیت تولید آن همچنان حالت خاص دارد. بنابراین در معرفی شاخص هایی جهت اندازه گیری جهانی شدن کشاورزی باید بیشتر تجاری شدن محصولات کشاورزی مد نظر قرار گیرد

به دلیل آنکه متغیرهای متفاوتی به عنوان شاخص جهانی شدن مطرح می باشند، ابتدا بطور خلاصه این متغیرها معرفی گردیده و سپس شاخص هایی که در این مطالعه مورد استفاده واقع گردیده اند بطور مفصل تر بحث می شوند.

1- Global Integration

یک سلسله مطالعات در باره اثر جهانی شدن بر مصرف عمومی صورت گرفته که به چند مورد مهم آن اشاره می گردد، گرت^۱ (۱۹۹۵ و ۱۹۹۸)، کوساک^۲ (۱۹۹۷)، سوانک^۳ (۱۹۹۷)، کوین^۴ (۱۹۹۷) و رودریک^۵ (۱۹۹۷ و ۱۹۹۸). هر هفت مطالعه بدنبال بررسی اثرات یکپارچگی بازار جهانی بر رفتار مصرف عمومی می باشند. اختلاف زیادی در متغیر معرفی کننده اثر جهانی شدن اقتصاد در مطالعات حاضر ملاحظه می گردد. در سه مطالعه ای که اثر یکپارچگی تجاری^۶ مورد بررسی بوده (گرت ۱۹۹۵، ۱۹۹۸ و رودریک ۱۹۹۸)، این متغیر مجموع صادرات و واردات نسبت به GDP بوده است. در بررسی یکپارچگی بازار سرمایه^۷ نیز متغیرهایی از قبیل سرمایه گذاری مستقیم خارجی (سوانک و گرت)، استقراض از بازار های بین المللی (سوانک)، قدر مطلق نرمال شده تفاوت بین پس انداز و سرمایه گذاری (کوساک) و درجه آزادسازی بازار سرمایه (گرت، کوین و سوانک) بعنوان شاخص جهانی شدن در مطالعات بکار گرفته شده اند.

سیگر^۸ در مطالعه بر کشورهای عضو OECD دو متغیر را بعنوان شاخص جهانی شدن مطرح نمود. جریان تجارت صنعتی بین شمال و جنوب نسبت به GDP بعنوان متغیری که افزایش ادغام جنوب در تجارت جهانی را نشان می دهد بعنوان اولین شاخص و تغییر قیمت های نسبی بعنوان شاخص دیگر مطرح شده است [۷].

همانطور که اشاره گردید، بخش صنعت به علت ویژگی های خاص بطور فعال تر در روند جهانی شدن اقتصاد شرکت داشته و مطالعات انجام شده نیز عمدتاً در این بخش است. یکی از جالب ترین مطالعات در مورد صنایع شیمیایی است که توسط مخی جا^۹، کیم^{۱۰} و

-
- 1 - Garrett
 - 2- Cusack
 - 3- Swank
 - 4- Quinn
 - 5- Rodrik
 - 6- Trade Integration
 - 7- Capital Market Integration
 - 8- Seager
 - 9- Makhija
 - 10- Kim

ویلیامس^۱ انجام شده است [۸]. در این مطالعه دو معیار برای جهانی شدن مطرح شده که به علت ویژگی های خاص و برترهایی که بر سایر شاخص ها دارد در مطالعه حاضر نیز این دو معیار بکار گرفته شده است. لذا در ادامه بطور مفصل این دو معیار مورد بررسی قرار می گیرد. اولین معیار سطح تجارت بین المللی المللی^۲ (LIT) نام دارد، که این شاخص وسعت ارتباط بین المللی را برای صنعت خاص (یا یک بخش) نشان می دهد. این شاخص به شرح زیر محاسبه می گردد:

$$LIT = (X_t + M_t) / (P_t + M_t - X_t) \quad (1)$$

که LIT وسعت ارتباط بین المللی صنعت (یا بخش) مورد نظر، X_t صادرات، M_t واردات و P_t تولید صنعت (یا بخش) مورد نظر می باشد. LIT کوچکتر نشان می دهد که ارتباط بین المللی به شکل واردات و صادرات یک جنبه مهم صنعت (یا بخش) نیست، عبارت دیگر صنعت (یا بخش) با توجه به حجم تولید خود، کمتر در تجارت شرکت می کند LIT گرچه شاخص بسیار مناسبی است، اما شرط لازم بوده و شرط کافی برای اندازه گیری جهانی شدن اقتصاد به شمار نمی آید.

دومین معیار، ادغام تجارت بین المللی^۳ (IIT) است که ادغام جهانی یک صنعت (یا بخش) را اندازه گیری می نماید. این معیار، در واقع همان شاخص استاندارد گروبل و لوید^۴ است که به شرح زیر است.

$$IIT = 1 - [(-M_t - X_t) / (X_t + M_t)] \quad (2)$$

که در آن IIT در واقع نشان دهنده تجارت درون یک صنعت (یا بخش) مورد نظر، X_t صادرات و M_t واردات صنعت (یا بخش) مورد نظر می باشد. بنا به تعریف ملاحظه می گردد که شاخص IIT بین صفر و یک قرار دارد. صفر نشان دهنده عدم وجود تجارت در

3- Williamson

4- Level of International Trade

5- Integration of International Trade

6- Grubel and Lloyd

درون صنعت (یا بخش) است (یعنی تجارت در این حالت فقط شامل صادرات یا واردات می شود) و اما یک بیانگر تجارت درون صنعتی (یا بخشی) کامل می باشد (صادرات برابر واردات) شاخص IIT دارای خصوصیات ویژه ای می باشد که از آن یک شاخص قابل اتکاء ساخته است. در واقع محققان دریافته اند که IIT بسیار مناسب برای فهم جهانی شدن در یک صنعت است (کوبرین^۱، پورتر^۲ ۱۹۹۱، ۱۹۸۶)، اما این شاخص قبل از مطالعات فوق بعنوان شاخصی برای جهانی شدن اقتصاد بکار گرفته نشده بود. IIT یک معیار مناسب برای ادغام عملی است زیرا: الف) شواهد کاربردی موجود اطمینان حاصل می نماید که IIT تابعی از عواملی است که برای جهانی شدن شناسایی شده اند. ب) مطالعات گذشته نشان می دهد که IIT تابعی از عواملی است که بر جهانی شدن رابطه مثبت دارد، که می توان به عوامل زیر اشاره نمود: ۱) سلیقه مشترک، یا تشابه تقاضا در بازار کشورهای مختلف برای محصول مشخص (بالاسا^۳ ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸، لوشر و والتر^۴ ۱۹۸۰، پاگولاتوس و سرنسن^۵ ۱۹۷۵، تاکاران^۶ ۱۹۸۳). ۲) صرفه جویی های اقتصادی^۷ (گرین وی و میلنر^۸ ۱۹۸۶، لاند برگ^۹ ۱۹۸۲، تو^{۱۰} ۱۹۸۲). ۳) ساختار بازار رقابتی (تو ۱۹۸۲، گرین وی و میلر ۱۹۸۶). ۴) موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای کمتر (لی^{۱۱} ۱۹۸۹، پاگولاتوس و سرنسن ۱۹۷۵). مطالعات همچنین نشان داده که IIT با سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ظهور شرکت های چند ملیتی رابطه مثبت دارد [کیوز^{۱۲} ۱۹۸۱ و لی ۱۹۸۹].

بنابراین ملاحظه می گردد که IIT شاخص بسیار مناسبی برای نشان دادن روند جهانی شدن است. دو معیار معرفی شده، LIT و IIT، با همدیگر تشخیص چهار نوع از صنعت (یا

-
- 1- Kobrin
 - 2- Porter
 - 3- Balassa
 - 4- Loertschert and Wolter
 - 5- Pagoulatous and Sorensen
 - 6- Thakaran
 - 7- Scale Economics
 - 8- Greenway and Milner
 - 9- Lundberg
 - 10- Toh
 - 11- Lee
 - 12- Caves

بخش) بین المللی را که پورتر (۱۹۸۶) و بارتلت و گوشال^۱ (۱۹۸۹) بحث نموده و در نمودار (۱) به نمایش در آمده را ممکن می سازد . این مراحل به شرح زیر است .

نمودار(۱): تعیین نوع صنایع (یا بخش) بین المللی

جهانی یکپارچه (D)	جهانی ساده (C)
چند جانبه داخلی (A)	چند جانبه داخلی در حال انتقال (B)

۱

۱/۵

IIT

الف (صنعت (یا بخش) چند جانبه داخلی^۲ ، که رقابت در یک کشور مستقل از سایر کشورهاست . در چنین حالتی LIT کوچک (نشان دهنده ارتباط بین المللی کمتر) به همراه IIT نشان می دهد که صادرات یا واردات هیچ کدام نقش مسلط در صنعت ندارند، یعنی گرچه صادرات و واردات در تعادلند ، اما یک بخش کوچک از تولید داخلی می باشد.

ب (صنعت (یا بخش) چند جانبه داخلی در حال انتقال^۳ ، نشان می دهد که تاکید نسبتاً معنی داری بر صادرات یا واردات صورت می پذیرد. در این حالت ، LIT کوچک (

13- Bartlett and Ghoshal

1- Multidomestic

2- Multidomestic Transitional

نشان دهنده ارتباط بین المللی کم) به همراه IIT کوچک (برتری یافتن اندک واردات یا صادرات) می باشد که مرحله بالاتری از جهانی شدن را نسبت به منطقه A نشان می دهد.

ج) صنعت (یا بخش) جهانی ساده^۱، در این حالت دامنه رقابت از مرزهای داخلی فراتر رفته است. چنین صنعتی (یا بخشی) از کشور خود به عنوان منبع اصلی برای رسیدن به بازارهای بین المللی استفاده می کند و محصولات نهایی یا تقریباً نهایی را به کشورهای دیگر روان می کند. این سناریو با LIT بالا (نشان دهنده ارتباط بین المللی بالا) و IIT کوچک (بیانگر تجارت با برتری اندک صادرات) می باشد.

د) صنعت (یا بخش) جهانی یکپارچه^۲، در این حالت رقابت بین المللی بسالایی برقرار بوده و مزیت نسبی از پراکنش جغرافیایی فعالیت های ارزش افزا در کشورها حاصل می گردد. LIT و IIT بزرگ در این حالت بیانگر تجارت جهانی مسلط بر صنعت (یا بخش) داخلی است، به عبارتی واردات و صادرات زیادی انجام می گیرد.

بطور کلی با حرکت از منطقه A به طرف منطقه D روند جهانی شدن افزایش می یابد، یعنی ارتباط صنعت (یا بخش) با بازارهای بین المللی افزایش می یابد.

۳- بررسی روند جهانی شدن در کشاورزی ایران

همانطور که اشاره گردید بسیاری از عوامل مهم بر روند جهانی شدن اقتصاد بخش کشاورزی ایران تاثیر ندارد، چون این عوامل مانند سرمایه گذاری مستقیم خارجی اصلاً مطرح نیستند. لذا جهانی شدن در بخش کشاورزی ایران را تنها از لحاظ تجاری شدن می توان مورد بررسی قرار داد که در این ارتباط دو شاخص مهم که بیشتر چنین جنبه ای از جهانی شدن اقتصاد را بیان می دارند مورد ارزیابی قرار می گیرند. در این بخش با استفاده از دو شاخص مطرح شده تلاش می گردد که ابتدا جایگاه بخش کشاورزی ایران در روند جهانی شدن مشخص گردد. برای محاسبه شاخص بر اساس رابطه (۱) لازم است که ارزش صادرات و

3- Simple Global
1- Integrated Global

واردات و تولید بخش کشاورزی را در اختیار داشته باشیم. از این رو با محاسبه شاخص LIT می توان وسعت ارتباط بین المللی بخش را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

LIT در نرخ ارز رسمی محاسبه شده و در نمودار (۲) به نمایش در آمده است. از آنجا که بخش عمده تجارت بخش کشاورزی مربوط به واردات می باشد و آنهم توسط دولت صورت گرفته است، بدین ترتیب نرخ ارز رسمی مد نظر قرار گرفته است. نمودار نشان می دهد که این شاخص بین سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ دائماً در حال افزایش بوده است چون در این دوره صادرات بخش کشاورزی روند افزایش آهسته ای نشان می دهد و واردات نیز به علت افزایش درآمدهای نفتی روند صعودی سریعی داشته است، از این رو تجارت بخش کشاورزی در این دوره رشد داشته و تا حدودی در مسیر جهانی شدن حرکت نموده است. هر چند به علت سیاست های اتخاذ شده در این دوره و کم توجهی به بخش کشاورزی تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی (ارزش افزوده بخش کشاورزی) که در این رابطه تاثیر بسزایی دارد دچار رکود گردیده و رشد کندی در آن روی داده است. به هرحال شاخص LIT در این دوره نشان می دهد که تجاری شدن در بخش کشاورزی و ارتباط آن با بازارهای جهانی بهتر شده است، هر چند سهم واردات در این ارتباط بیشتر بوده است.

اما از سال ۱۳۷۵ و با وقوع انقلاب اسلامی در کشور این شاخص شروع به کاهش می کند و به بیان دیگر بخش کشاورزی در روند معکوس تجاری شدن قرار می گیرد. این اتفاق دارای چندین دلیل است، اولاً صادرات بخش کشاورزی بعلت وقوع انقلاب اسلامی و در پی آن جنگ کاهش محسوسی می یابد، ثانیاً واردات کشاورزی نیز تا حدودی کاهش می یابد، ثالثاً به علت تاکید بیشتر بر بخش کشاورزی و ضرورت خودکفایی در این بخش، تولید ناخالص بخش به شدت افزایش یافت و همین عامل باعث گردید که مجموع صادرات و واردات (تجارت) نسبت به تولید داخلی کوچکتر گردد و شاخص LIT روند کاهشی پیدا کند. بطور خلاصه می توان گفت که چون تولید بخش کشاورزی افزایش چشمگیری داشته و از سویی تجارت آن کاهش و یا حداقل رشد چندانی نداشته است، شاخص دور شدن کشاورزی ایران از روند تجاری شدن را نشان می دهد.

پس از پایان جنگ تحمیلی و اجرای سیاست های آزاد سازی هر چند صادرات بخش کشاورزی افزایش قابل توجهی یافت. اما افزایش در شاخص LIT اندک بوده است چون حجم تجارت بخش کشاورزی نسبت به تولید داخلی این بخش بسیار ناچیز بوده و حکایت از آن دارد که کشاورزی ایران کمتر در جهت همگرایی با اقتصاد جهانی حرکت کرده است.

معیار دوم، ادغام تجارت بین المللی (IIT) بر اساس رابطه (۲) محاسبه گردیده و در نمودار (۳) نمایش داده شده است. این رابطه تنها بر اساس تجارت (صادرات و واردات) بوده و تولید بخش در آن بی تاثیر است. این شاخص برای دوره ۱۳۵۰-۵۲ در حد بالایی است و نشان می دهد که صادرات و واردات هرچند در حد پایینی هستند اما تقریباً در تعادل است. اما پس از آن تا ۱۳۵۸ به علت افزایش سریع واردات در اثر رشد درآمدهای نفتی این شاخص کاهش می یابد. با شروع جنگ تحمیلی صادرات کشاورزی بطور چشمگیری کاهش یافت اما واردات از روند کاهش قابل توجهی برخوردار نگردید، بنابراین واردات و صادرات کشاورزی هرچه بیشتر از تعادل خارج گردید و شاخص جهانی شدن نیز کاهش یافت. روند کاهش تا سال ۱۳۶۴ ادامه یافت و پس از آن به علت افزایش صادرات و کاهش واردات (به ترتیب در نتیجه تشویق صادرات غیرنفتی و وضعیت بحرانی کاهش درآمدهای ارزی) تعادل تجاری محصولات کشاورزی بهتر شد و این شاخص نیز شروع به افزایش کرد. پس از پایان جنگ و سیاستهای آزادسازی اقتصادی، صادرات کشاورزی رونق یافت و روند شاخص جهانی شدن تا حدودی صعودی بوده است، هرچند به دلیل سیاست های نامتناسب نوساناتی نیز ملاحظه می گردد. ارزش صادرات و واردات بخش و شاخص های LIT و IIT تقریباً در دوره ۱۳۵۰-۷۶ با یکدیگر سازگاری دارند و نشان می دهد که کشاورزی ایران در کل حرکت بسیار کندی در جهت جهانی شدن داشته است و وقوع دو پدیده مهم، انقلاب و جنگ، برای چندین سال به شدت ارتباط کشاورزی ایران را محدود کرده است.

حال که روند شاخص های LIT و IIT بطور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت، می توان با بررسی همزمان دو شاخص وضعیت بخش کشاورزی را در نمودار (۱) تجزیه و تحلیل نمود. در سالهای ۱۳۵۰-۵۲ چون واردات و صادرات کشاورزی تقریباً در تعادل بوده و از سوی دیگر تجارت محصولات کشاورزی سهم بسیار اندکی از تولید این بخش را تشکیل

می داده است ، بدین ترتیب شاخص ها نشان می دهند که کشاورزی در بخش چند جانبه داخلی (ناحیه A) قرار داشته است . اما پس از آن با افزایش سریع واردات محصولات کشاورزی در بخش چند جانبه داخلی در حال انتقال (ناحیه B) قرار گرفته است ، عبارت دیگر تجاری شدن یا ارتباط کشاورزی ایران با بازارهای جهانی عمدتاً به دلیل حجم بالای واردات بوده و صادرات تقریباً در آن نقش بازی نکرده است . از این رو از سال ۷۶-۱۳۵۳ کشاورزی ایران در ناحیه B بوده و به لحاظ تسلط داشتن واردات کشاورزی بر صادرات آن ، خروج از این ناحیه ممکن نبوده است . هر چند توان بسیار زیادی در بخش کشاورزی ملاحظه می گردد اما بدلیل ضعف ساختارهای تجاری و سیاست های مرتبط به آن، صادرات بخش کشاورزی سهم اندکی از تولید را تشکیل می دهد.

۴- نتایج تاثیر جهانی شدن اقتصاد بر محصولات برنج و خرما

هدف دیگر در تحقیق حاضر بررسی اثرات جهانی شدن اقتصاد بر تولید ، مصرف ، واردات و صادرات دو محصول برنج و خرما است . بدین ترتیب روش مطالعه حاضر ، استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) در تخمین توابع عرضه داخلی ، تقاضا و واردات یا صادرات محصولات مورد نظر با گنجاندن شاخص جهانی شدن اقتصاد می باشد.

۴-۱- پایه های تئوریک توابع مورد نظر

پس از محاسبه شاخص جهانی شدن اقتصاد حال در راستای بررسی اثر این شاخص بر محصولات منتخب ، توابع عرضه ، تقاضا ، واردات یا صادرات این محصولات تخمین زده خواهد شد. قبل از آنکه به تخمین تابع پرداخته شود، ابتدا لازم است که به طور بسیار مختصر به پایه تئوریک توابع اشاره گردد. لذا به ترتیب توابع عرضه ، تقاضا ، واردات و صادرات مورد بحث قرار می گیرد.

تابع عرضه محصولات کشاورزی در حالت کلی به شکل زیر می باشد:

$$S = F (P, PS, AC, T)$$

براساس تابع فوق انتظار می رود که ضرایب متغیرهای قیمت محصول مورد نظر (P) و تکنولوژی (t) مثبت و قیمت محصول جانشین (PS) و هزینه تولید (AC) منفی باشند.

تابع تقاضا محصولات کشاورزی در شکل کلی به شرح زیر است .

$$D = F (P, PS, Y)$$

ملاحظه می گردد که مقدار تقاضا بستگی به قیمت محصول (P)، قیمت محصول جانشین یا مکمل (PS) و درآمد مصرف کننده (Y) دارد و انتظار می رود که ضرایب متغیرهای قیمت محصول منفی و قیمت محصول جانشین و درآمد مثبت باشد.

تابع واردات محصولات کشاورزی که در واقع تقاضای خارجی برای محصول

داخلی است به شکل کلی زیر است :

$$M = F(PW/PD, GDP, ER, PRO, TE)$$

بر اساس تئوری های اقتصادی انتظار می رود ضریب متغیرهای نسبت قیمت جهانی به قیمت داخلی (PW/PD)، نرخ ارز (ER)، تولید داخلی محصول مورد نظر (PRO)، و معادل تعرفه ای و غیرتعرفه ای (TE) منفی و تولید ناخالص داخلی (GDP) و یا در مورد ایران درآمد حاصل از صادرات نفت مثبت باشد.

تابع صادرات محصولات کشاورزی در حالت کلی به شرح زیر است :

$$X = F (PD/PW, Y, ER, PRO)$$

بر اساس دیدگاههای تئوریک انتظار می رود که ضریب متغیرهای نسبت قیمت

داخلی به قیمت خارجی (PD/PW) منفی و درآمد کشورهای واردکننده (Y)، نرخ ارز (ER) و تولید داخلی محصول مورد نظر (PRO) مثبت باشند.

به طور کلی باید متذکر گردید که هنگام تخمین توابع فوق الذکر برای یک محصول باید شرایط خاص محصول مورد نظر و قوانین و مقررات حاکم بر بازار محصول لحاظ گردد که در این حالت ممکن است متغیرهای دیگری علاوه بر متغیرهای فوق الذکر در تابع گنجانده شود و یا متغیرهایی حذف گردد.

۲-۴- معرفی متغیرها

در معادلات تخمین زده شده L بیانگر لگاریتم طبیعی است و متغیرها به شرح زیر

است :

PRO = تولید داخلی محصول مورد نظر (گندم برحسب هزار تن ، پسته برحسب تن)

ACR = سطح زیرکشت برنج برحسب هزار هکتار

ACR2 = سطح زیر کشت نهال خرما برحسب هکتار

DPPR = قیمت عمده فروشی برنج بر حسب ریال ، سال پایه ۱۳۶۹

ACI = شاخص متوسط هزینه خانوار بر حسب سال پایه ۱۳۶۹

PCC = مصرف سرانه محصول مورد نظر بر حسب کیلوگرم

IQ = مقدار واردات برنج بر حسب هزارتن

WP2 = قیمت جهانی صادرات خرما بر حسب دلار

BRP = قیمت برنج بانکوک بر حسب دلار

EXPRI = شاخص قیمت عمده فروشی صادرات خرما بر حسب سال پایه ۱۳۶۹

DPPRI = شاخص قیمت عمده فروشی داخلی خرما بر حسب سال پایه ۱۳۶۹

RPI = قیمت خرده فروشی محصول مورد نظر بر حسب ریال ، سال پایه ۱۳۶۹

CPI = شاخص قیمت مصرف کننده

XQ = مقدار صادرات خرما بر حسب تن

OX = در آمد صادرات نفت بر حسب میلیون دلار

IIT = شاخص جهانی شدن اقتصاد

۳-۴ - نتایج محصول برنج

در این قسمت به بررسی نتایج برآورد حاصل از توابع برآزش شده برنج می پردازیم . برای برنج با گنجانیدن شاخص جهانی شدن اقتصاد در بین متغیرهای مستقل سه تابع عرضه داخلی ، تقاضا و واردات تخمین زده شده است .

۱-۳-۴ - تابع عرضه برنج

تابع عرضه داخلی رامی توان بر اساس مدل انتظارات تطبیقی یا مدل تعدیل جزئی برآزش نمود که با توجه به فرض اولیه در مورد متغیر انتظاری ، هرکدام از دو مدل قابل کاربرد می باشد. از آنجا که در مطالعات کاربردی هر دو روش مورد استفاده قرار گرفته است دراین تحقیق نیز هر دو روش مورد بررسی قرار می گیرد. برای توضیح در مورد مدل انتظارات تطبیقی و تعدیل جزئی به [۹] و [۱۰] مراجعه گردد.

نتیجه برآزش تابع عرضه به روش مدل انتظارات تطبیقی به شرح زیر است :

$$\text{LPRO} = -1.178 + 0.051\text{LDPPR} + 1.054\text{LACR}(-1) + 0.006\text{LIIT} + 0.192\text{LPROH}(-1) - 2.079^{**} + 1.787^* + 7.183^{***}$$

$$R^2 = 0.945 \quad R^2 = 0.933 \quad 0.160 \quad 2.053^{**} \quad \text{DW} = 2.356$$

تابع فوق به روش برآوردگر ابزاری مورد تخمین قرار گرفته و متغیر LPROH مقدار تخمینی LPRO است که به عنوان متغیر ابزاری بکار رفته است.

نتیجه تابع عرضه به روش مدل تعدیل جزئی به شرح زیر است:

$$\text{LPRO} = -0.950 + 0.059\text{LDPPR}(-1) + 1.077\text{LACR}(-1) + 0.136\text{LPRO}(-1) + 0.017\text{LIIT} - 2.68^{***} + 1.704^* + 6.246^{***}$$

$$R^2 = 0.925 \quad R^2 = 0.938 \quad 1.154 \quad 0.478 \quad \text{DW} = 2.693$$

۲-۳-۴- تابع تقاضای برنج

با لحاظ کردن دیدگاههای تئوریک و شرایط بازار برنج در کشور، تابع تقاضا به شرح

زیر مورد تخمین قرار گرفته است:

$$\text{LPCC} = 2.946 - 0.092\text{LRPI} + 0.155\text{LACI} - 0.121\text{LIIT} + 0.241\text{DV}_3 + 12.49^{***} - 1.32 + 1.54 - 2.39^{***}$$

$$R^2 = 0.652 \quad 5.99^{***} \quad R^2 = 0.579 \quad \text{DW} = 2.190$$

۳-۳-۴- تابع واردات برنج

تابع واردات گندم بر اساس مباحث تئوریک و شرایط بازار مورد تخمین واقع گردید، که به علت شرایط ویژه ساختار واردات که انحصاری بودن آن توسط دولت از ویژگی های اساسی آن است به تعدادی از متغیرها حساسیت نشان نداد. بدین ترتیب که نرخ ارز و معادل تعرفه ای و غیرتعرفه ای از آن جمله متغیرها بودند. پس از برآزش های مختلف، مدل زیر به عنوان مناسب ترین حالت مد نظر قرار گرفت:

$$\text{LIQ} = 6.011 - 0.471\text{L}(\text{BRP}/\text{DPPR}) + 0.352\text{LOX} - 0.948\text{L}[(\text{PRO} + \text{PRO}(-1))/2] + 2.299^{**} - 5.675^{***} - 2.645^{**} - 2.05^{**}$$

0.031LIIT -0.398DV

0.223 -2.041** $R^2 = 0.710$ $R^2 = 0.629$ DW = 2.369

DV^۳ متغیر مجازی است که برای نوسانات زیاد واردات در تابع گنجانده شده است.

۴-۳-۴ - تجزیه و تحلیل نتایج برنج

دو متغیر مهم قیمت و شاخص جهانی شدن اقتصاد در این بخش مد نظر قرار می گیرد و از بحث در باره سایر متغیرهای به جهت طولانی شدن مقاله خودداری می شود. نتایج تخمین تابع عرضه بوسیله مدل های انتظارات تطبیقی و تعدیل جزئی نشان می دهد که نتایج حاصل همخوانی بسیار زیادی با هم دارند و نتایج در هر دو مدل بر اساس انتظارات تئوریک می باشد. متغیر قیمت در تابع نشان می دهد که به ازای یک درصد افزایش در قیمت، تولید برنج بطور متوسط در حدود ۰/۰۵۵ درصد افزایش می یابد. کشش تخمین بسیار کوچک است و نشان می دهد که حساسیت کشاورزان به افزایش تولید در اثر افزایش قیمت بوسیله متغیر جهانی شدن اقتصاد نیز مورد تایید قرار می گیرد. هر چند این متغیر علامت مثبت مورد نظر را دارد، اما از سویی ضریب بسیار کوچک و غیرمعنی داری دارد. به عبارت دیگر شاخص جهانی شدن اقتصاد که عمده اثر خود را از طریق قیمت بر بازار برنج خواهد نمود نیز مانند قیمت عمده فروشی دارای ضریبی کوچک می باشد از این رو در نتایج سازگاری ملاحظه می گردد.

در تابع تقاضا نیز متغیرها مطابق انتظارات تئوریک هستند کشش قیمتی تابع تقاضا ۰/۰۹۲ - است که بیانگر حساسیت کم نسبت به قیمت یا ضروری بودن کالا است. قابل توجه است که افزایش درآمدهای نفتی و کوپنی شدن برنج بر تقاضای برنج اثر محسوسی داشته و آن را با اخلاص روبرو ساخته است که معنی دار نبودن ضریب متغیر قیمت در تابع تقاضا به جهت وجود اخلاص های موجود در سیستم است که علامت قیمتی مناسب از بازار به مصرف کننده داده نمی شود. شاخص جهانی شدن در تابع تقاضا علامت مورد انتظار دارد و نیز در سطح ۵ درصد معنی دار است که بیانگر این موضوع می باشد که در اثر حرکت در مسیر جهانی شدن اقتصاد مقدار تقاضای سرانه برنج کاهش خواهد داشت. با حرکت در مسیر جهانی شدن اقتصاد انتظار می رود که با واقعی تر شدن قیمت در داخل کشور از طریق حذف توزیع کوپنی و یارانه ای و همچنین حذف موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای، مصرف سرانه کاهش یابد.

متغیرهای موجود در تابع واردات دارای علائم مطابق انتظار هستند. نسبت قیمت بانکوک به قیمت عمده فروشی داخلی تاثیر منفی و معنی دار در تابع دارد به نحوی که یک درصد افزایش در این نسبت باعث کاهش واردات به اندازه $0/471$ درصد می شود. ضریب شاخص جهانی شدن بر اساس انتظار در تابع علامت منفی دارد اما معنی دار نیست. منفی شدن ضریب این متغیر در تابع واردات بیان می کند که در اثر قرار گرفتن در مسیر جهانی شدن اقتصاد واردات برنج کاهش می یابد، قابل توجه است که همین شاخص در تابع عرضه نشان داد که در اثر قرار گرفتن در مسیر جهانی شدن، تولید داخلی افزایش می یابد و شاخص در تابع تقاضا اثر منفی نشان داد، کاملاً روشن است که سازگاری در نتایج وجود دارد و تاکید بر درستی نتایج است. معنی دار نبودن ضریب عمدتاً به دلیل اخلاص های موجود در بازار برنج و تجارت آن است و انتظار می رود که با رفع محدودیت های موجود اثر موثرتری از روند جهانی شدن اقتصاد بر بازار برنج را ملاحظه نمایم.

بطور کلی نتایج سه تابع تخمین زده شده در باره برنج سازگاری بسیار زیادی با هم دارند. تابع عرضه افزایش تولید را در مسیر جهانی شدن نوید می دهد، تابع تقاضا کاهش مصرف سرانه را در این مسیر بیان می کند و از سوی دیگر تابع واردات اثر منفی متغیر شاخص جهانی شدن را نشان می دهد که هر سه نتیجه با هم سازگار هستند.

۴-۴- نتایج محصول خرما

در این بخش نتایج حاصل از برآورد توابع مربوط به خرما مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. برای خرما با اثر دادن شاخص جهانی شدن اقتصاد سه تابع عرضه، تقاضا و صادرات برآزش شده است که به شرح زیر مورد توجه قرار می گیرد.

۴-۴-۱- تابع عرضه خرما

ایران به عنوان یک تولید کننده قدیمی خرما که سطح زیرکشت زیادی از این محصول را نیز دارد، در سالهای اخیر با افزایش تولید خرما به بزرگترین تولید کننده این محصول تبدیل شده است و رتبه اول را در تولید این محصول در جهان به خود اختصاص داده است. تخمین تابع عرضه برای محصولات باغی با دشواریهای فراوانی روبرو است، یعنی گنجاندن مقدار تولید به عنوان متغیر وابسته و بررسی اثر متغیرهای مستقل بر آن دچار اشکال

میشود چون هنگامی که نهال کثمت می شود چند سال بنابه نوع و ریته نهال زمان می برد تا به بار بنشینند لذا بررسی اثر متغیرهای مستقل بر افزایش تولید را با مشکل مواجه می سازد. بنابراین برای بررسی اثر متغیرهای مستقل بر افزایش تولید را با مشکل مواجه می سازد. بنابراین برای بررسی اثر متغیرهای مستقل باید متغیری را به عنوان جانشین مقدار تولید منظور نمود که واکنش سریعتری نسبت به تغییرات متغیرهای مستقل نشان دهد. از این رو سطح زیرکشت نهال که کشاورز بر اساس وضعیت بازار خرما نسبت به آن واکنش نشان می دهد به عنوان متغیر وابسته در تابع عرضه منظور شده است.

با مد نظر قرار دادن مطالب فوق و دیدگاههای تئوریک موجود در این زمینه تابع عرضه خرما به شرح زیر برآورد گردیده است.

$$LACR2 = 7.181 + 0.387LDPPRI(-1) + 0.079LDPPRI(-2) + 0.050LIIT + 0.059LXQ(-1) - 0.328AR(1)$$

33.428^{***} 4.925^{***} 1.021 1.676
 1.880^*

-1.15 $R^2 = 0.986$ $R^2 = 0.979$ $DW = 2.298$

که در تابع $AR(1)$ نشان دهند. اتورگرسیو درجه (1) است و متغیرها نیز قبلاً تعریف شده اند.

۲-۴-۴- تابع تقاضای خرما

تابع تقاضای خرما بر اساس شرایط بازار و دیدگاههای تئوریک به شرح زیر مورد برآزش قرار گرفته است.

$$LPCC = 0.571 - 0.066L(RPI/CPI) + 0.128LACI - 0.109LIIT + 0.329LPCC(-1)$$

-1.968^{**} -0.519 2.465^{**}
 $R^2 = 0.749$ -1.252 3.125^{***}
 $R^2 = 0.690$ $DW = 2.266$

۳-۴-۴- تابع صادرات خرما

صادرات خرما درصد بسیار اندکی از تولید این محصول در کشور را تشکیل می دهد که در بعضی از سالها نیز به علت سیاست های نامناسب (برقراری پیمان ارزی، قیمت گذاری

پیش از اندازه بر «محصولات» دچار مشکل می گردد که «اژاد عرضه» به توضیح در این شرایط در کشور ملاحظه می گردد. تابع صادرات خرما با امضا کردن شرایط به کشور مبدأ گامهای تئوریک، مورد بررسی قرار گرفت که به تعدادی از متغیرها نظیر نرخ ارز، در آمد صادرات، هت، انواع تعرفه ای و غیرتعرفه ای، در آمد کشورهای تقاضا کننده و «جدا» نشان اندازه، مناسبت، برین شکل تابع تقاضای خرما برآورد شده به شرح زیر است:

$$LXQ = 7.052 + 0.129L(WP2/EXPRI) + 0.357LXQ(-1) + 0.152LIT + 0.943DV$$

$$R^2 = 0.739 \quad 7.303^{***} \quad 1.883^{\sim} \quad R^2 = 0.687 \quad 3.746^{***} \quad 1.619 \quad 3.339^{***}$$

$$DW = 2.341$$

که در آن DV متغیر مجازی با مقدار صفر برای سال های قبل از ۱۳۶۸ و یک برای بعد از آن است.

۴-۴-۶- تجربه و تحلیل نتایج خرما

برای طولانی نمودن متاد فقط دو متغیر قیمت و شاخص جهانی شدن اقتصاد مورد بررسی قرار می گیرد و از توضیح سایر متغیرها که مطابق انتظارات تئوریک نیز هستند خودداری می شود. تابع عرضه نشان می دهد که قیمت با یک دوره تاخیر تاثیر معنی داری بر عرضه دارد و انتظار می رود که با افزایش یک درصد در قیمت مقدار عرضه ۰/۳۹ درصد افزایش یابد. از سوی دیگر در این تابع شاخص جهانی شدن اقتصاد علامت مثبت دارد و بیان می دارد که با حرکت در مسیر جهانی شدن عرضه خرما افزایش خواهد یافت که بدین ترتیب سازگاری در علامت متغیرهای موجود در تابع ملاحظه می گردد.

در تابع تقاضا شاخص جهانی شدن بنا به انتظار علامت منفی دارد. منفی بودن این ضریب به آن دلیل است که در حال حاضر عمده محصول تولیدی به دلیل صادر نشدن در داخل کشور به مصرف می رسد و در صورتی که در اثر جهانی شدن اقتصاد فرصت مناسبی برای صادرات پدید خواهد آمد که اثر منفی بر تقاضای داخلی خواهد داشت. لذا انتظار می رود که در اثر حرکت در مسیر جهانی شدن اقتصاد مصرف سرانه خرما کاهش یابد.

شاخص جهانی شدن اقتصاد نیز مثبت بر تابع صادرات دارد و نشان میدهد که افزایش همگرایی بخش کشاورزی با اقتصاد جهان، مقدار صادرات را افزایش خواهد داد که مطابق

انتظارات قبلی است. به طور کلی نتایج حاصل از توابع عرضه، تقاضا و صادرات خرما با هم سازگاری کامل دارد. شاخص جهانی شدن اثر مثبت بر تولید داخلی، اثر منفی بر تقاضای داخلی و اثر مثبت بر صادرات دارد که سازگاری در نتایج ملاحظه می‌گردد که تاییدی بر درستی جواب های حاصل است.

۵- نتایج کلی

جهانی شدن واقعی انکار ناپذیر است که با سرعتی شتابان به پیش می‌رود و بر اقتصاد تمام کشورها نیز تاثیر می‌گذارد. ایران به دلایل مختلف کمتر در مسیر جهانی شدن گام برداشته است. کشورهایی می‌توانند از روند جهانی شدن اقتصاد منتفع گردند که اولاً، ساختار اقتصادی و قوانین و مقررات مناسب و سازگار با اقتصاد جهانی داشته باشند و ثانیاً، بخش یا بخش هایی از اقتصاد کشور از توانایی لازم برای عرضه به بازارهای جهانی برخوردار باشد.

بخش کشاورزی ایران به لحاظ گستردگی و تنوعی که در تولید محصولات کشاورزی دارد از توانایی و استعداد بالفعل و بالقوه فراوانی برخوردار است. از این رو انتظار می‌رود با حرکت صحیح در روند جهانی شدن اقتصاد، این بخش از شکوفایی قابل توجه بهره‌مند گردد، در صورتی که از لحاظ ساختار اقتصادی حمایت لازم از بخش بعمل آید. در طی دوره ۷۷-۱۳۵۳ بخش کشاورزی ایران به دلیل تسلط واردات بخش بر صادرات آن از لحاظ جهانی شدن پیشرفت چشمگیری نداشته است.

نتایج بررسی محصولات برنج و خرما نشان می‌دهد که درکل اثر جهانی شدن اقتصاد بر بازار این محصولات مثبت است، به نحوی که با حرکت در مسیر جهانی شدن اقتصاد تولید این محصولات افزایش، تقاضای داخلی کاهش می‌یابد و از سوی دیگر واردات برنج با کاهش روبرو گشته و صادرات خرما افزایش می‌یابد.

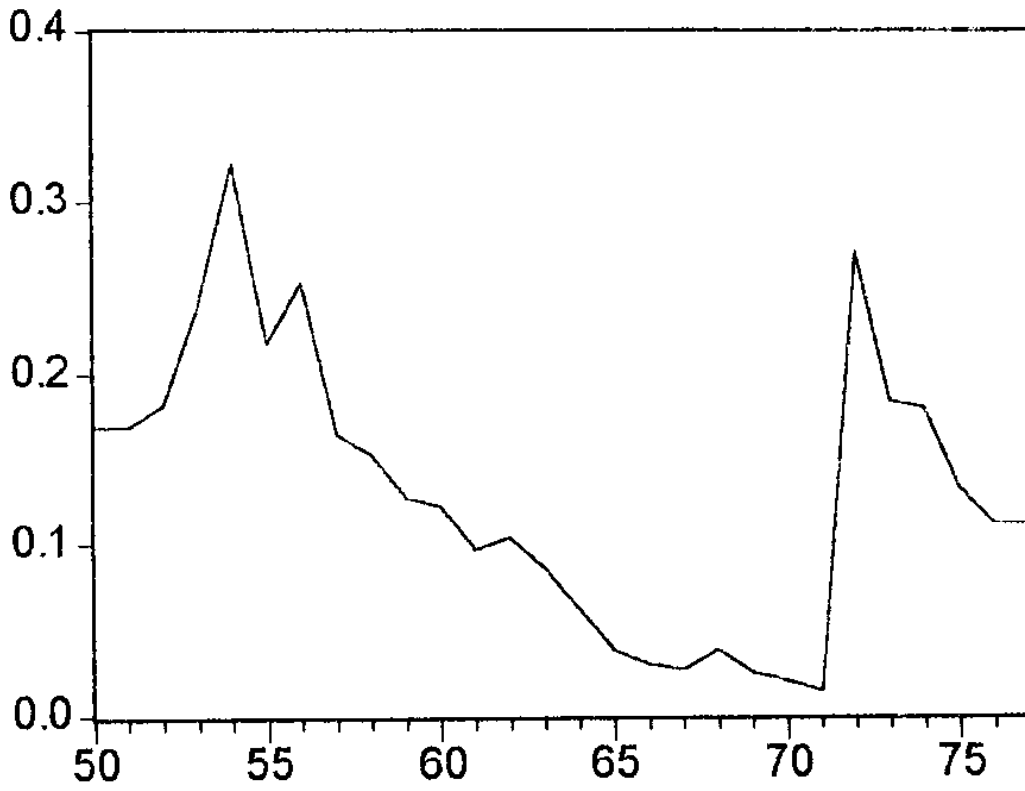
منابع :

1. Arndt, S.W. (1997), 'Globalization and trade : a symposium', The world Economy, vol.20 (5)
2. Nawazish Ali , A. (1998), ' Globalization, its Impact on the economies of OIC countries and the role of the private sector', Journal of Economic Cooperation Among Islamic Countries vol. 19(1-2).
3. Lloyd, P.J. (1998) , 'Globalization and competition policies', Weltwirtschaftliches Archiv , vol. 134(2).
4. UNCTAD, 'Globalization and economic convergence', chapter 11 of Trade and Development Report 1997.
5. Assaf, G. (1998) , 'Globalization and industrial development: implications for developing countries and international co-operation', Journal of Economic cooperation Among Islamic countries , vol. 19(1-2).
6. Schulze, G.G. and Ursprung, H.W. (1999) , ' Globalization of the economy and the nation state', The world Economy , vol. 22(3).
7. Saeger, S.S. (1997), ' Globalization and deindustrialization: myth and reality in the OECD' Welthwirtschaftliches Archiv, vol. 133(4).
8. Makhija, M.V, Kim, K. and Willimson, S.D. (1997), Measuring globalization of industries a national industry approach: empirical evidence across five countries and over time', Journal of International Business studies, Fourth Quarter, pp. 679-710
9. Maddala, G.S. (1992), 'Introduction to Econometrics', Macmillan publishing company, second edition, PP. 408- 425.

۱۰. گجراتی ، دامودار ، " مبانی اقتصاد سنجی " ترجمه حمید ابریشمی ، انتشارات دانشگاه

تهران ، جلد دوم ص ۶۸۱ - ۶۷۱

نمودار (۲): شاخص LIT در طی سالهای ۱۳۵۰-۷۷



نمودار (۳): شاخص IIT در طی سالهای ۱۳۵۰-۷۷

